

مدیریت شهری و باز آفرینی شهری فرهنگ مینا

■ منا عرفانیان سلیم

دکتری برنامه ریزی و طراحی شهری

۱- مقدمه:

اهداف توسعه‌ای باشد و چهره‌ای فرهنگ‌گرا برای شهرها ترسیم کند، رویه‌ای است که در فرایند بازآفرینی شهرها به آن اهمیت فراوانی داده شده است» (لطفی، ۱۳۹۰). هنگامی که دست‌اندرکاران شهری به این نتیجه رسیدند که در امر توسعه‌ی شهری، تعریض معابر، ساختن برج‌های اداری و مجتمع‌های تجاری، پاساژها و فروشگاهها به تنهایی برای زنده کردن مرکز شهرها کافی نیست (Hannigan ۱۹۹۸)، بر اساس تحلیلی از مسایل موجود شهرها و نیز ظرفیت‌های نهفته در سازوکار فرهنگی آنها، باز تعریفی از امر توسعه برای شهرها شکل گرفت. این بازتعریف تازه، بر این واقعیت مبتنی است که شهرها برای دوره‌های طولانی، عرصه‌های تولید فرهنگ و بسترهای نوآوری‌های فرهنگی بوده‌اند. از آنجا که علیرغم تغییرات بسیار در سازوکارهای اقتصادی، جریان ایجاد ذائقه هنری و تغییر مد و اسلوب، همواره در شهرها وجود داشته است، در این رویکرد بر امکان استفاده از نقش تاریخی «فرهنگ» به عنوان راهبردی اساسی در ادامه حیات شهرها، تأکید شد (Harvey, ۱۹۸۲). شهر، در گذر زمان نویدبخش همبستگی و تلاش جمعی در جهت زندگی بهتر برای همه (عدالت درون نسلی) و برای همیشه (عدالت بین نسلی) بوده است. از آنجا که مردم در مرکز توجه برنامه‌ها و اقدامات بازآفرینی شهری در نظر گرفته شده‌اند، «حضور فرهنگ به عنوان عاملی که از یکسو ریشه در تاریخ دارد و از سوی دیگر با آرزوها، خواسته‌ها و باورهای مردم درهم آمیخته و نوعی ویژگی منحصر به فرد را برای هر اجتماع انسانی شکل می‌دهد، بُعدی ازلی و جدایی ناپذیر می‌یابد (مامفورد، ۱۳۸۵). در تجربه‌هایی که فارغ از پایبندی به مسایل تاریخی و فرهنگی، محوریت بازآفرینی را صرفاً توسعه مستقیم اقتصادی قرار داده‌اند، به دلیل هم سو نشدن با زمینه‌های فرهنگی و خواسته‌های ذاتی مردم، موفقیت پایداری حاصل نشده است. بازآفرینی فرهنگ مینا، با طرح مفاهیم پایه‌ای مانند استفاده از حوزه‌های نوآورانه اقتصادی و آنچه صنایع خلاق نامیده می‌شود، به این نکته اساسی می‌رسد که می‌توان در بافتهای درونی و هسته‌های مرکزی شهرها، با اطمینان به نتایج فرایند بازآفرینی، از رهیافت فرهنگی و ویژگی‌های مثبت آن بهره جست. این رهیافت، به کالبد دیروز احترام می‌گذارد و ساختارهای نو را در همخوانی با ساختارهای دیروز، به این ترکیب می‌افزاید و محتوا و کارکردی را ارائه می‌دهد که روستا ساخت آن جریان فرهنگی و اجتماعی، و زیرساخت آن، سازوکاری کاملاً اقتصادی و پربازده است (لطفی، ۱۳۹۰). برداشت از مفهوم «فرهنگ» و ورود آن در جریان توسعه‌های شهری در جهان و همچنین ایران، در دهه‌های اخیر به اشکال مختلف در حال تحول و دگرگونی بوده است. امروزه

تجربه‌های متعدد بهسازی و نوسازی در بافت‌های ناکارآمد شهری در ایران و نیز بهره‌گیری از تجارب و ادبیات جهانی، سبب شده تا امروز جمع بزرگی از کنشگران در این حوزه با نگاهی فراتر و جامع‌تر، علاوه بر وجه کالبدی و فیزیکی شهر وجوه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و زیست محیطی آن را نیز مدنظر قرار دهند. در این نگاه نو، از آنجا که انسان نقش کلیدی و محوری دارد، فرهنگ به عنوان یکی از مهمترین مظاهر مدنی وابسته به انسان نیز اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. از این رو رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا امروزه یکی از مفاهیم مورد توجه متخصصان و مدیران شهری برای حل مسایل شهری و نیز بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن است. علیرغم اهمیت و جدیت این موضوع در تحقق و کارآمدی برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری، گذر از نگاه کالبدی به رویکردهای اجتماعی - فرهنگی نیاز به باوری عمیق و ماندگار در تمامی سطوح کنشگری دارد، که به صورت ناگهانی و مقطعی به وقوع نخواهد پیوست. برای تقویت این گذر فکری شناسایی، معرفی و درس‌آموزی از تجربه‌هایی که بر مبنای این باور فرهنگی محقق گردیده‌اند، ثمربخش و لازم به نظر می‌رسد. در سال‌های اخیر، تجربه‌های متعددی در نقاط مختلف کشور و در مقیاس‌های گوناگون، رخ داده‌اند که به روشنی گویای سیر تحول رویکردها در سیاستگذاری کلان و اقدامات حاکمیت محلی و نهایتاً جامعه محلی برای مشارکت در بهبود کیفیت زندگی محلات شهری هستند. این نوشتار پس از مروری اجمالی بر سیر تحول و پیوستی رویکرد بازآفرینی فرهنگ - مینا، به معرفی چند نمونه از تجاربی که به نوعی با تکیه بر مبنای فرهنگی در مسیر بازآفرینی شهری قدم گذشته‌اند، پرداخته است. نمونه‌هایی از میان گزینه‌های برتر در تجربه‌های بازآفرینی شهری در دو دوره از مسابقه جستار کیفیت که با مدیریت و راهبری شرکت بازآفرینی شهری ایران برگزار گردید، انتخاب شده‌اند و این نمونه‌ها تجربیاتی هستند که با محوریت شهرداری‌ها و مشارکت نهادهای دولتی و مردمی به انجام رسیده‌اند. لازم به ذکر است که انتخاب گزینه‌ها و اطلاعات ارایه شده عمدتاً بر مبنای ارزیابی‌های انجام شده در رویداد جستار کیفیت در تجربه‌های بازآفرینی شهری در دو دوره اول و دوم و مطالعات میدانی انجام شده در همین راستا است.

۲- مروری بر سابقه رویکرد بازآفرینی فرهنگ - مینا:

«بازآفرینی فرهنگ - مینا» را می‌توان یکی از اصلی‌ترین وجوه رویکرد بازآفرینی شهری در تجارب توسعه شهری در ایران و جهان در دو دهه اخیر دانست. «کاربست فرهنگ در جایگاهی راهبردی، و با هدف دستیابی به سازوکاری اقتصادی و پررونق که می‌تواند متضمن

۱۳۹۳؛ مصوبه شورایی در زمینه رویکردهای اصلی حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی - فرهنگی در سال ۱۳۹۶. آنچه در برنامه‌ها و اقدامات پیشگفته نمایان است تغییر نگاه "کالبد محور" به نگاه "برنامه محور" و توجه به ظرفیت‌های فرهنگی شهر در صورت‌های غیرکالبدی آن است. تاکید بر "ارتقای هویت شهری و منزلت اجتماعی" در سند ملی سال ۱۳۹۳ و نیز "حفاظت و احیای میراث ملموس و غیر ملموس" در رویکرد اصلی حفاظت و احیا در سال ۱۳۹۶، نشان دهنده این تغییر نگاه و توجه به ابعاد اجتماعی- فرهنگی شهر هم زمان با ابعاد اقتصادی و کالبدی است. در این اسناد که علاوه بر بهره‌گیری از تحولات دانش مربوطه، بر تجربیات و ناکارآمدی‌های سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در کشور نیز تکیه دارد، بر نقش مدیریت شهری به سبب مسؤولیت آن در حکمروایی محلی و نیز توان بهره‌گیری از ظرفیت‌های ذاتی محله‌ها و محدوده‌های هدف مورد تاکید و توجه قرار گرفته است.

۳- مدیریت شهری و بازآفرینی فرهنگ- مینا:

بر مبنای منابع و متون مختلف، شناسایی کنشگران، اولین گام بامعنا و منطقی در برنامه‌ها و اقدامات بازآفرینی معرفی شده است. در این رابطه کنشگران به دو لایه مهم تقسیم شده‌اند: لایه اول ساکنان یا اصلی‌ترین گروه هدف هر برنامه و لایه دوم افراد، سازمان‌ها، نهادها و در مجموع تمامی کنشگرانی که بیشترین ارتباط و دخالت را با موضوع

در سیاست‌های مبتنی بر رویکرد بازآفرینی، فرهنگ به عنوان یکی از سرمایه‌های شهری مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارتی در ارتقای کیفیت زندگی شهری به عنوان هدف اصلی بازآفرینی، فرهنگ نقشی محوری را به عهده می‌گیرد. در سیر تحول مفهوم فرهنگ در توسعه شهری، سه الگو به ترتیب شناسایی شده است: «فرهنگ و بازآفرینی»، «بازآفرینی فرهنگی»، و «بازآفرینی فرهنگ - مینا» (DCMS, ۲۰۰۴). دلایل و انگیزه‌هایی گوناگون، تمایل به گذار از «بازآفرینی فرهنگی» به «بازآفرینی فرهنگ مینا» را سبب شده است که مهمترین آنها بر هزینه و زمان بر بودن بازآفرینی فرهنگی است. بازآفرینی فرهنگ- مینا بر رویدادمداری و ترویج فعالیتهای فرهنگی همزمان با احیاء و حفاظت از میراث شهری تاکید دارد. مهمترین اهدافی که برای بازآفرینی شهری فرهنگ- مینا، برشمرده شده است عبارتند از: اشاعه گردشگری فرهنگی، افزایش میزان بهره‌برداری مفید از فضاهای شهری، کاهش میزان فرسودگی کالبدی، ارتقاء وجهه [تصویر] شهری، جذب سرمایه‌گذاری‌ها، اشتغالزایی، کاستن از حجم صدمه‌رسانی به محیط شهری.

در ایران نیز، در فرایند نوگرایی شهری، تغییر چهره شهرها عمدتاً از طریق جایگزین کردن مظاهر نو و عامه پسند به جای آثار بر جای مانده از دوره‌های پیشین حیات شهری انجام شده است. لکن در طی این سال‌ها به صورت هم زمان اقدامات پراکنده‌ای مبتنی بر رویکردهای

فرهنگی شکل گرفته است که از مهمترین آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (ایزدی، ۱۳۹۶): مجموعه اقدامات آغازین سازمان‌های دولتی مانند انجمن آثار ملی، اداره کل باستان‌شناسی و سازمان ملی حفاظت آثار تاریخی در فاصله سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۵۷ خورشیدی؛ پروژه‌های پیشگام پیش از انقلاب در بهره‌برداری مجدد از ساختمان‌های تاریخی با طرح و برنامه‌های از پیش تدوین شده در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۴۰؛ مجموعه اقدامات در چارچوب تبصره (۲۳) قانون بودجه سال ۱۳۶۹ کل کشور؛ برنامه زندگی جدید کالبد قدیم در وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۶۷؛ پروژه طرح پردیسان؛ بند "ه" تبصره (۳۶) قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور؛ تشکیل صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی (ماده ۱۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه)؛ تصویب سند ملی راهبردی بهسازی نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری در سال



مورد بحث دارند (پیران، ۱۳۹۶). مروری بر تجربه‌های بهسازی و نوسازی در دهه‌های اخیر در ایران نقش کلیدی و مهم نهادهای مدیریت شهری را در لایه دوم به روشنی نشان داده است. این درحالی است که در رویکردهای نوین مطرح شده نیز تقویت حکمروایی محلی برای کاهش فرایندها و تصمیم‌گیری‌های آمرانه مورد تاکید قرار گرفته است (بندت سیاست‌های اجرایی بازآفرینی شهری، مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۸ شورای عالی معماری و شهرسازی). در همین راستا توجه به فرهنگ و ارزش‌های جامعه محلی، یکی از دستاوردهایی است که نهادهای مدیریت شهری در خلال تجارب پشت سرگذاشته به آن دست یافته‌اند و بی‌تردید یکی از عوامل وقوع تحولات رویکردی پیشگفته و پررنگ شدن جایگاه فرهنگ در امر توسعه و بازآفرینی شهری بوده‌اند. در سال‌های اخیر، تجربه‌های متعددی در نقاط مختلف کشور و در مقیاس‌های گوناگون رخ داده‌اند که به روشنی از بلوغ تفکر مدیریت شهری در پذیرش نقش جامعه و فرهنگ بومی حکایت می‌نماید. در این تجربه‌ها به روشنی نقش محوری مدیریت شهری در بازخوانی فرهنگ بومی و بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی در مسیر بازآفرینی شهری به اثبات رسیده است. در این مطالعه به معرفی چند نمونه از تجاربی که به نوعی با تکیه بر مبانی فرهنگی در مسیر بازآفرینی شهری قدم گذاشته‌اند، پرداخته شده است. در ادامه چند نمونه از این تجربیات که عمدتاً با محوریت شهرداری‌ها و مشارکت نهادهای دولتی و مردمی به انجام رسیده‌اند، معرفی می‌شوند.

• مرمت و بهره‌برداری مجدد مجموعه کاروانسرای سعدالسلطنه قزوین:

مرمت و احیای مجموعه سعدالسلطنه، با همکاری میراث فرهنگی، شهرداری و اداره کل راه و شهرسازی استان در سال ۱۳۹۱ آغاز شد و در سال ۱۳۹۳ مراحل بهره‌برداری آن از سرگرفته شد. در فرایند بازآفرینی این پروژه، اداره کل راه و شهرسازی استان اگرچه نقش روان‌سازی، حمایتی و هماهنگ کننده دارد ولی به صورت مستقیم وارد موضوع نشده و محوریت اقدام به عهده شهرداری قزوین بوده و هست.

رویکردهای محوری: بر اساس بررسی مدارک و مصاحبه‌های انجام شده با مسؤولین و استفاده کنندگان (مردم و کسبه) در سال ۱۳۹۵، رویکردهای محوری در پروژه سعدالسلطنه عبارتند از:

- رویکرد اقتصادی: برنامه ریزی اقتصادی پروژه در ابتدا بر دو مینا استوار بوده؛ بیشترین تعامل و همخوانی و کمترین تقابل میان کاربری‌های جدید با کاربری‌های بازار سنتی باشند و نیز تناسب و مطلوبیت کاربری‌های جدید برای امکان گذران اوقات فراغت خانواده‌های قزوینی در این مجموعه.

- رویکرد گردشگری: در نظر گرفتن قزوین به عنوان مقصد گردشگری با توجه به موقعیت جغرافیایی، سابقه تاریخی و پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی که دارد (در ابتدا فقط جذب گردشگر داخلی مطرح بود، اما پس از گذشت ۲ سال از بهره‌برداری جذب گردشگر خارجی نیز اهمیت یافت).

- رویکرد فرهنگی و انسان محور: اگرچه در شروع کار تمرکز بر ساماندهی ترافیکی و اقدامات کالبدی بیشتر بود ولی به تدریج محوریت

بازار و کاربری‌های مستقر در آن و ظرفیت‌های فرهنگی مورد توجه قرار گرفت. به منظور احیا و سرزندگی مجموعه، جذب گردشگر و رونق بیشتر آن، برگزاری رویدادها و نمایشگاه‌های مختلفی از جمله نمایشگاه نوروزی صنایع دستی، نمایشگاه دوسالانه خوشنویسی، جشن روز قزوین و... به عنوان یک ضرورت جدی در این مجموعه آغاز شد. تأثیرگذاری پروژه بر بافت پیرامون از دو جنبه‌ی ارتقای منزلت اجتماعی محله و نیز بهبود شرایط و رونق اقتصادی حائز اهمیت است. در سالیان گذشته، خانه‌های اطراف مجموعه سعدالسلطنه در حال تخلیه و تغییر کاربری به انبار بودند و افراد از این محله به مناطق دیگر مهاجرت می‌نمودند، اما پس از احیا و مرمت مجموعه، اهالی، خانه‌های خود را حفظ و در آنها ماندگار شده و به بهبود وضعیت خانه‌های خویش پرداختند. همچنین در گذشته در اطراف مجموعه، گاراژها و انباری‌های متروکه متعددی وجود داشتند که پس از احیا و مرمت مجموعه، مالکان آنها، از این فضاها در جهت درآمدزایی و ایجاد اشتغال استفاده نموده و آنها را به پارکینگ تبدیل نمودند.

• بازآفرینی مرکز شهر رشت:

بازآفرینی شهر رشت با عزم جدی شهرداری رشت در سال ۹۳ آغاز شد.

رویکردهای محوری: بر این اساس در شهر رشت سه موضوع کلیدی دنبال شد:

(۱) اعتمادسازی و جلب مشارکت مردم

(۲) بحث برندسازی شهری و ایجاد اشتغال در محلات شهر رشت در جهت ارتقای کیفیت زندگی افراد

(۳) سرمایه‌گذاری که وابسته به دو مورد پیشین است، یعنی تبدیل مشارکت اجتماعی به مشارکت اقتصادی

استفاده از عنوان "فرهنگ شهر" به دنبال نام رشت و ترکیب "می رشت" که بنا به گویش محلی یعنی شهر من، هدف دستیابی به یک برندینگ شهری برای این شهر بود تا با گذشت زمان تبدیل به مأموریتی برای این شهر شده و همگان را مجدانه بر آن دارد که در فرهنگ مینا ماندن این شهر کوشا باشند.

- پروژه پیاده‌راه میدان شهرداری:

به منظور بهسازی و ساماندهی وضعیت میدان شهرداری اقدامات مختلفی از جمله سنگفرش کردن مسیر و پیاده‌راه‌سازی آن، تعریف فضای سبز در میدان، استفاده از نخل‌های موجود در میدان و حفظ و تثبیت جایگاه آنها، جابه‌جایی مجسمه میرزا کوچک خان (در جهت بهبود وضعیت دید و منظر ساختمان شهرداری) و استفاده از آلمان‌ها و میلمان‌های مناسب در محدوده، اجرا شده است. عنوان برنامه‌های اجرا شده در این محدوده عبارتند از:

۱. جانمایی غرفه‌های کمپین «می رشت» در پیاده راه فرهنگی (با هدف آگاه سازی مردم از اهداف بازآفرینی در شهر رشت از طریق برگزاری نمایشگاه در فضای باز و همچنین القای حس تعلق محیطی از طریق تکرار واژه‌ی می رشت (رشت من) در ذهن افراد)؛

۲. استفاده از مشارکت دانشجویان دانشگاه گیلان در راه‌اندازی و هدایت غرفه‌های می رشت (مشارکت سرمایه‌های اجتماعی بومی، جوان و خلاق در هدایت جریان کمپین شهری و تبدیل رویداد

۱۴. برگزاری گردهمایی روز ۹ دی به مناسبت آشتی ملی
۱۵. برگزاری جشنواره ملی یادبود ۳۰۰۰ شهید دفاع مقدس
۱۶. برگزاری جشنواره‌های نقاشی کودکان
۱۷. همچنین برگزاری مراسم نمایش و موسیقی خیابانی به طور متعدد که مردم را به دور خود جمع کرده و محیط را برای همگان خاطره انگیز می‌سازد



برگزاری جلسات متعدد در بازار رشت جهت اجرای پروژه های مکمل پیاده راه مرکزی رشت (پروژه های مرمت و احیا کاروانسراهای تاریخی بازار)

• **بازآفرینی محلات تاریخی ناین؛ طرح محرم تا محرم:**
 بازآفرینی فضاهای عمومی محله‌های کهن ناین با محوریت رویدادهای مذهبی شکل گرفت. طرحی با محوریت آیین‌های مذهبی، بهسازی و نوسازی چهار محور محله‌ای در بافت تاریخی ناین در قالب همکاری مشترک شرکت عمران و بهسازی شهری ایران (شرکت بازآفرینی شهری) و شهرداری ناین تهیه و با مشارکت معتمدان محلی به انجام رسید. هر ساله حدود ۹۰ درصد جمعیت مهاجرت کرده از شهر ناین به دلیل خاطرات و تعلقات مذهبی خود، در ایام سوگواری و ایام محرم، به شهر خود بازمی‌گردند. این امر نشان از پررنگ بودن نقش مذهب در فرهنگ این شهر دارد و به همین سبب در ناین، حسینیه‌ها از جایگاه والایی در شهر و در میان افراد برخوردار هستند. اگرچه از دهه ۶۰ و ادامه آن در دهه ۷۰ کمابیش اقداماتی در زمینه بهسازی و نوسازی بافت تاریخی ناین به انجام رسیده بود، اما از سال ۱۳۹۳ اتفاقات به شکل ملموس تر و با رویکردی مشارکتی رخ داده‌اند. در بازآفرینی بافت تاریخی شهر ناین شرکت عمران و بهسازی، شرکت عمران و ساماندهی بافت‌های فرسوده ناین، شهرداری، شرکت عمران و مسکن سازان و شرکت توسعه گردشگری، نقش پررنگی داشته‌اند.

رویکردهای محوری:

- ۱- توجه به سرمایه اجتماعی بالا در محلات بافت تاریخی؛
- ۲- توجه به محله‌ای و هیأت امنایی بودن شهر (امور محله‌ها معمولاً توسط حسینیه‌ها پیش می‌رود)؛
- ۳- همکاری قابل توجه ارگان‌ها و تدارکات زیرساختی در بازآفرینی

بازآفرینی به یک خواست اجتماعی)

۳. چاپ هفتگی و ماهیانه‌ی بروشور و کتابچه‌هایی با محتوای آموزش بازآفرینی (با هدف آموزش شهروندی و آگاه سازی شهروندان و بدنه‌ی مدیریت شهری از چشم‌اندازها، اهداف و برنامه‌های بازآفرینی)
۴. برگزاری مراسم روز رشت (برگزاری تئاتر و نمایش خیابانی به مناسبت روز رشت (۱۲ دی ماه) به عنوان روزی که رشت در بیش از ۴ قرن پیش، به عنوان مرکز سیاسی گیلان انتخاب گردید)
۵. مراسم ساعت زمین (ساعت زمین یک رویداد جهانی سازماندهی شده توسط صندوق جهانی طبیعت است و در آخرین شنبه ماه مارس هر سال برگزار می‌شود. خانواده‌ها و کسب و کار با خاموش کردن چراغ‌ها و سایر دستگاه‌های الکتریکی غیر ضروری خود به مدت یک ساعت آن را یادآوری می‌کنند و آرمان نخست این اقدام این است که آگاهی درباره تغییرات آب و هوایی و نیاز به مصرف محتاطانه انرژی در جهان ابقا شود).
۶. برگزاری جلسات توجیهی با بازاریان و جلب مشارکت مردمی برای احیا و مرمت دیواره‌ی اطراف میدان شهرداری، بازار سنتی و کاروانسراهای رشت

برگزاری جلسات متعدد در بازار رشت جهت اجرای پروژه‌های مکمل پیاده راه مرکزی رشت (پروژه‌های مرمت و احیا کاروانسراهای تاریخی بازار)

۷. برگزاری مراسم افتتاحیه پیاده راه فرهنگی رشت (روز ۱۱ فروردین ۱۳۹۵ به مناسبت افتتاح پیاده راه فرهنگی)
۸. برگزاری شب شعر و شب داستان در پیاده راه فرهنگی رشت با حضور هنرمندان به نام کشور
۹. برگزاری جشنواره فیلم سبز
۱۰. برگزاری کارگاه آموزشی سفالگری و فروش آثار دستی در پیاده راه فرهنگی به نفع مراکز خیریه
۱۱. برگزاری مراسم روز کتاب و کتابخوانی
۱۲. برگزاری مراسم بزرگترین سفره‌ی افطار در ماه رمضان (جمع کردن حدود ۳۰۰۰ نفر از مردم شهر به دور یک سفره‌ی مشترک)
۱۳. برگزاری جشنواره جوکول (جوکول در زبان محلی به معنای برنج نارس است)، جشنواره آغاز فصل برداشت برنج در مرداد ما ۱۳۹۵

بافت تاریخی نایین؛

پروژه محرم تا محرم:

شهر نائین ۷ محله دارد. هر کدام از این ۷ محله به صورت جداگانه و با محوریت حسینیه‌ها و هیأت‌هایشان با یکدیگر و در یک مسیر هدایت می‌شوند و حرکت می‌کنند و در نهایت به امامزاده‌ی شهر منتهی می‌شوند. در این مسیر، ابنیه ارزشمند و تاریخی، نقشی پررنگ و چشمگیر دارند. لذا مرمت ابنیه و بهسازی محیطی این مسیرها که با مشارکت و همفکری معتمدان محلی صورت گرفت، تحقق فرایند بازآفرینی در محلات را فراهم ساخت. با توجه به اینکه بازده زمانی برای تحقق برنامه از محرم هر سال تا محرم سال بعد و به منظر مهیاتر شدن فضای محله برای مراسم بود، پروژه "محرم تا محرم" نام گرفت. نکته خیلی مثبت در پروژه نایین آن بود که بر خلاف تجربه‌های سایر شهرها که بعضاً مردم در مقابل و در تضاد با مسوولان قرار می‌گیرند، در نایین این موضوع برعکس بوده و مردم علاوه بر آنکه با مسوولین همراه شدند، از آنها نیز خواسته‌اند که اقدامات بازآفرینی را در سایر محلات نیز آغاز کنند. بازآفرینی در نایین، کاری جمعی و مشارکتی و با نظارت مردم کمابیش دارای روندی از پایین به بالا بوده است. بر اساس مطالعات میدانی انجام شده برای ارزیابی این پروژه در مسابقه رویداد جستار کیفیت، از دید مردم و مسوولین موارد زیر تأثیرات اقدامات بازآفرینی در محلات بوده‌اند:

- بالارفتن ارزش زمین‌های این محلات

- ارتقای حس تعلق مردم به محلات و افزایش علاقه آنها به عدم ترک محله‌ی خویش

- افزایش میزان صدور پروانه‌ها (چه برای ساخت و ساز و چه برای نوسازی و بهسازی)

- همراه شدن مردم با اقدامات بازآفرینی

- ارزش یافتن محلات برای مردم و بالارفتن منزلت اجتماعی محلات

• **بازآفرینی محلات تاریخی گرگان؛ طرح محرم تا محرم:**

طرحی با محوریت آیین‌های مذهبی و احیای تکایا در مرکز محلات بافت تاریخی گرگان شده که هدف آن رونق و سرزندگی محلات را بوده است. طرح با اولویت چهار محله: سرچشمه، دوشنبه‌ای، درب نو و سبزه‌مشهد در سال ۹۳ در دستور کار قرار گرفت. همچنین مرمت و بهسازی تکیه‌ی اصطبار در محله دوشنبه‌ای، مسجد ملا اسماعیل در محله‌ی درب‌نو و خانه‌ی تاریخی شعرباغان در محله‌ی سرچشمه‌ی گرگان از دیگر طرح‌های در حال مرمت در قالب طرح محرم تا محرم بوده است.

دو اقدام محوری در این پروژه زمینه ساز مشارکت دستگاه‌های متولی و مردم شدند:

• راه‌اندازی دفتر بهسازی و احیای بافت تاریخی گرگان

• امضای تفاهم نامه احیای گذرهای تاریخی- فرهنگی بافت کهن گرگان

• امضای تفاهم‌نامه فی مابین دستگاه‌های متولی در بافت تاریخی: اداره راه و شهرسازی استان، میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان، شهرداری گرگان، اوقاف و امور خیریه استان، انجمن حامیان بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی، دفتر بهسازی و احیای

بافت تاریخی گرگان، برگزاری مراسم دهه محرم در تکیه هنرمندان شامل نمایشنامه‌خوانی، اجرای تعزیه هنرمندان خراسان شمالی، نقالی، شعرخوانی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای و...

۴- جمع بندی:

بر اساس مصاحبه‌ها و بررسی‌های میدانی انجام شده برای ارزیابی تجربه‌ها، نقش کلیدی مدیریت شهری برای تسهیل و زمینه سازی مشارکت و هم زبانی میان کنشگران بازآفرینی یکی از ضرورت‌های مورد تاکید بوده است. اگرچه برای دستیابی به یکپارچگی نسبی در آرا و نظرات و باور حقیقی اهمیت فرهنگ در تحقق بازآفرینی شهری که جز در سایه‌ی مشارکت عمومی رخ نخواهد داد، راه درازی در پیش روست لکن مرور تجربه‌های فوق و تجربه‌های متعددی از این دست از شروع جریانی به سوی تغییرات فرهنگ محور خبر می‌دهد. در نهایت، از مقایسه اجمالی چند تجربه‌ی پیشگفته علیرغم تفاوت‌ها در موضوع و مقیاس، ووجه مشترکی قابل استخراج و استنباط است که عبارتند از:

- اهمیت و نقش کلیدی نهادهای مدیریت شهری به ویژه شهرداری‌ها در بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ؛

- قلمرو عمومی، عرصه‌ای مناسب برای تحقق برنامه‌ها و اقدامات بازآفرینی فرهنگ مینا؛

- نقش شهرداری به عنوان حلقه‌ی ارتباطی میان دستگاه‌های متولی و یکپارچگی برنامه‌ها و اقدامات؛

- فرهنگ، عاملی اثربخش و قدرتمند برای جلب اعتماد و همراهی مردم در بازگرداندن زندگی به محله؛

- ضرورت مشارکت و همراهی مردم برای موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های پیش بینی شده.

منابع:

۱- ایزدی، محمد سعید، تجربه‌های ایرانی بازآفرینی فرهنگ مینا، همایش بازآفرینی شهری فرهنگ مینا، دانشگاه تربیت مدرس، خانه گفتمان شهر، ۱۳۹۶.

۲- پیران، پرویز، معرفی مفاهیم پیشاهنگ، کتاب سوم: دخیلان اولین، دومین و... (دخیلان تسهیلگر)، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، ۱۳۹۶.

۳- لطفی، سهند، بازآفرینی شهری فرهنگ مینا: تأملی بر مین مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی شماره ۴۵ بهار ۱۳۹۰.

۴- مامفورد، لوئیس، فرهنگ شهرها، ترجمه عارف اقوامی مقدم، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران، ۱۳۸۵.

5- Hannigan, J., Forward to Zukin, pp. xi-xii in Zukin, S., *Loft Living: Culture and Capital in Urban Change*, John Hopkins University Press, Baltimore, 1998

6- 1982, Harvey, D., foreword to Zukin, pp. xi-xii in Zukin, S. (1982), *Loft Living: Culture and Capital in Urban Change*, John Hopkins University Press, Baltimore.